

## مقایسه خودپنداره دانشجویان ایرانی و افغانی

دکتر مهرانگیز شعاع کاظمی\* و مهرآور مومنی جاوید\*\*

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه خودپنداره دانشجویان ایرانی و افغانی انجام گرفته است. جامعه آماری شامل دانشجویان مقطع کارشناسی دانشگاههای تهران می باشد. گروه نمونه پژوهش از ۱۲۰ دانشجوی دختر و پسر، ۶۰ نفر ایرانی و ۶۰ نفر افغانی به روش تصادفی انتخاب شده است. روش پژوهش توصیفی از نوع زمینه‌یابی بوده است. ابزار مورد استفاده در پژوهش مقیاس خودپنداره راجرز در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس نشان می دهد که بین خود پنداره دانشجویان ایرانی و افغانی تفاوت معناداری وجود دارد. اما عامل جنسیت به طور معناداری بر خود پنداره تاثیر گذار نبوده است.

**واژه‌های کلیدی:** خودپنداره، دانشجویان، ایرانی، افغانی.

**مقدمه**

خودپنداره از موضوعات مهمی است که در زندگی روزمره انسان نقش عمده ای را ایفا می‌کند و در سرنوشت او تأثیر بسزایی دارد. برای انسان هیچ حکم ارزشی، مهمتر از داوری او در مورد نقش خویش نیست. ارزشیابی شخص از خویشتن، قطعی‌ترین عامل در رشد روانی اوست. این ارزشیابی تماماً به شیوه قضاوت آگاهانه و صریح، شفاهی یا کتبی یا برشمردن صفات و توصیف حالات نیست؛ بلکه به صورت احساس می‌باشد. احساسی که جدا کردن و شناسایی آن مشکل است؛ زیرا پیوسته توسط انسان تجربه می‌شود و جزئی از احساس های مختلف انسانی می‌باشد (براندن<sup>۱</sup>، ۱۳۷۶ نقل از صادقی، ۱۳۸۸).

خودپنداره، مجموع ویژگیهایی که شخص به عنوان یک موجود منحصر به فرد از خود ادراک می‌کند و به عبارتی، کلیت ادراک‌هایی است که فرد در خود دارد و این ادراک‌ها مشتمل بر نگرش های فرد درباره خود و زبانی است که هنگام توصیف خود بکار می‌برد (غلامی، ۱۳۸۴). محور اصلی این پندار عبارت است از نام شخص، احساساتش نسبت به اندام و بدن خود، تصور از کل بدن، جنسیت و سن. هسته مرکزی خودپنداره شامل خصوصیات دیگری نیز هست که غیر مستقیم‌تر نمود دارند، مانند طبقه اجتماعی - اقتصادی، مذهب، پیشرفت های فردی و یا هر عامل دیگری که او را از دیگران جدا می‌سازد. تصور یا پنداری که فرد از خود دارد، برای او جنبه حیاتی دارد. این خودپنداره آموختنی است و هر چه را که فرد درباره خود می‌داند از تجارب گذشته او سرچشمه می‌گیرد که در میان آنها تجارب اجتماعی اهمیت بیشتری دارد. این خودپنداره در اثر رابطه ی شخص با محیط دچار تغییر می‌شود. ناکامی های محیطی موجب خودپنداری منفی و امکانات مثبت محیطی موجب خودپنداری مثبت در فرد می‌شود (بیابانگرد، ۱۳۸۲).

---

<sup>۱</sup> - Branden

طرز تلقی و عقاید والدین، طرز تلقی هم‌قطاران و طرز تلقی کارکنان آموزشگاه، عوامل تشکیل دهنده اجزای خودپنداره می‌باشند. هر کدام از این عوامل در ایجاد نوع و میزان خویش‌پنداری فرد نقش مهمی دارند. مجموع عوامل فوق در پیش‌بینی موفقیت، ارزشمندی، توانایی و اهمیت فرد موثر هستند. صاحبان مکاتب مختلف بر نقش خودپنداره، به عنوان تعیین کننده اساس رفتارها، صحنه گذاشته‌اند؛ چراکه پندار فرد از خودش تا اندازه‌ای تصور او راجع به محیطش را تعیین می‌کند و براساس این دو عامل نوع رفتارهای خود را طرح می‌ریزد (شفیع آبادی، ۱۳۷۴). مهمترین تحول در زمینه خودپنداره به نظریه راجرز<sup>۱</sup> برمی‌گردد؛ راجرز خویش‌پنداری را جزء مرکزی و محوری سازگاری شخصی و شخصیتی می‌داند. وی «خود» را به عنوان محصول اجتماعی که خارج از روابط درون فردی رشد می‌کند و برای ثبات تلاش می‌کند، توصیف نمود. او عقیده داشت که در هر شخص تمایل به طرف خودشکوفایی و رشد وجود دارد و بروز آن توسط یک محیط جالب و جذاب امکان پذیر است. (اسمیت<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۷۸ نقل از غلامی، ۱۳۸۴)

پورکی<sup>۳</sup> (۱۹۸۸) خودپنداره را مجموعه‌ای از نظام پویا و متشکل و پیچیده اعتقادات آموخته شده‌ای می‌داند که در هر شخص، آن حقیقت مربوط به وجود خودش را حفظ می‌کند. برم و کازین<sup>۴</sup> (۱۹۹۰)، خودپنداره را مجموعه کلی باورهای فرد در مورد اسنادهای شخصی وی راجع به خودش تعریف کرده‌اند. به اعتقاد واتین و لوید<sup>۵</sup> (۱۹۹۷) خودپنداره شامل ابعاد جداگانه، اما مرتبط با هم است. گرچه ما درباره خودپنداره، به عنوان یک حالت تنها صحبت می‌کنیم اما درست‌تر این است که بگوییم افراد خودپنداره‌های خاصی دارند که در موقعیت‌های مختلف عمل می‌کند. هامان چک<sup>۶</sup> (۱۹۹۸) مطرح نمود که مردم مفاهیم جداگانه‌ای از جنبه‌های

<sup>1</sup> - Rogers

<sup>2</sup> - Smit

<sup>3</sup> - Purkey

<sup>4</sup> - Brehm & Kassin

<sup>5</sup> - Vatin & Ioid

<sup>6</sup> - Haman chek

فیزیولوژیکی - اجتماعی و هیجانات و انتخاب‌های هوشمندانه خودشان دارند. این خودپنداره‌های گوناگون توسط تمایز بین افکار و احساسات فرد مشخص می‌شود (نقل از غلامی، ۱۳۸۴).  
 به اعتقاد آلپورت<sup>۱</sup>، خودپنداره، در برگیرنده چندین جنبه است و در مسیر رشد براساس نظر دیگران ساخته می‌شود تا این که به صورت الگوهای معین بروز کند. او خودپنداره را همان ادراک شخص از شخصیت خودش می‌داند. گاهی اوقات شخصیت و خودپنداره معادل با هم در نظر گرفته می‌شود. اما در واقع جنبه‌های مختلف خودپنداره که آلپورت مطرح می‌کند در صفات ادراک شده‌ای منعکس می‌شود که افراد به هنگام توصیف خود آنها را مطرح نموده‌اند. (آلن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۰ نقل از سالمی، ۱۳۷۸)

به اعتقاد آیدوک<sup>۳</sup> و همکاران (۲۰۰۹)، خودپنداره، فقط به زمان حال محدود نمی‌شود؛ بلکه آینده و گذشته ما را نیز دربرمی‌گیرد. خودآرمانی به آرزوها، اهداف و استانداردهای شخصی ما از آنچه ممکن است بشویم، آنچه دوست داریم بشویم و آنچه می‌ترسیم بشویم، برمی‌گردد. خودآرمانی، محرکی برای رفتارهای آتی فرد است و زمینه ارزیابی از خود را فراهم می‌کند.  
 عوامل موثر بر خودپنداره عبارتند از: ۱) رشد فیزیکی و تحول: تأثیر این عامل در اولین سالهای کودکی واضح‌تر است؛ به طوری که ارتباطی قوی بین خودپنداره و تصور بدنی هم در دختر و هم در پسر وجود دارد. در اواسط دوران کودکی، توصیف از خود به تدریج انتزاعی‌تر می‌شود و از صورت جسمی به صورت روان شناختی درمی‌آید. ۲) میزان رشد و بلوغ: ظهور بلوغ و تغییرات زیستی، کاربردهای اجتماعی و روان شناختی مهمی برای نوجوانان دارد. حیطة روابط نوجوانان بسیار وسیع‌تر شده و لذا خودپنداره بیشتر تحت تأثیر عوامل درونی چون: افکار و احساسات و یا توانایی پذیرفته شدن در گروه همسالان و میزان استقلال نوجوانان قرار خواهد گرفت. ۳) تعامل اجتماعی: مفهوم خودپنداره تحت تأثیر اطلاعاتی که توسط دیگران؛ یعنی از

<sup>1</sup> - Allport

<sup>2</sup> - Alen

<sup>3</sup> - Ayduk&etal

تعامل اجتماعی بدست آمده، ظهور می‌کند. مرد و زن در سوگیری خودپنداره متفاوت هستند. مردان بیشتر احتمال دارد که خود را در قالب جدا یا انفرادی ببینند؛ در حالی که زنان اغلب به یک خود ارتباطی تأکید دارند و خود را محاط در یک شبکه از روابط بین فردی می‌بینند (دمبو<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶ نقل از البرزی، ۱۳۸۱).

کوپراسمیت<sup>۲</sup> (۱۹۸۲) به این نتیجه رسید که جوانان با خودپنداره مثبت که اعتماد به نفس کافی دارند، در زندگی خود با تجربیات موفقیت آمیز مواجه بوده‌اند و اغلب مقبول دیگران واقع شده و فرصت آزمایش کردن شهامت خود را داشته‌اند. دویک و کارول<sup>۳</sup> طی تحقیقی رابطه‌ی تأثیر ارزیابی جوانان از خویشان و توانایی برقراری روابط اجتماعی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که جوانانی که خودپنداره بالاتری داشتند در برقراری روابط اجتماعی از سایر افراد موفق‌تر بودند (به نقل از شعاع کاظمی، ۱۳۸۷). واگر و گرین<sup>۴</sup> طی تحقیقی به این نتیجه رسیدند که داشتن خودپنداره مثبت و عزت نفس در نوجوانان، کلیدی برای رشد سلامت ذهنی، روابط اجتماعی، پربها کردن ارزشهای مناسب در زندگی و داشتن چارچوب مناسب و با هدف، در زندگی است. امکس<sup>۵</sup> (۱۹۸۳) نشان داد که شایستگی در انجام کار مهم، رابطه مستقیمی با ساختار خودپنداره دارد (به نقل از نادری، ۱۳۸۱). پژوهشهای متفاوتی در مورد خودپنداره صورت گرفته که نتایج آنها ارتباط خودپنداره را با عملکرد تحصیلی و پیشرفت تحصیلی (یارمهدیان و همکاران، ۱۳۸۲ و کریم زاده و محسنی، ۱۳۸۴)، با خلاقیت (سهرابی و البرزی، ۱۳۸۱ و یارمهدیان، ۱۳۸۵)، با بهداشت روانی (مشکی و همکاران، ۱۳۸۲)، با پذیرش همسالان و سازگاری اجتماعی (یارمهدیان و همکاران، ۱۳۸۲) نشان داده‌اند (نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۸). صادقی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان بررسی اثربخشی آموزش به شیوه

<sup>1</sup> - Dembo

<sup>2</sup> - Cooper smith

<sup>3</sup> - Doweek & carol

<sup>4</sup> - Vager & Green

<sup>5</sup> - Omox

تحلیل رفتار متقابل بر خودپنداره دانش آموزان دبیرستانی شهرستان خمینی شهر، به این نتیجه رسیدند که آموزش به شیوه تحلیل تبادلی بر خودپنداره دانش آموزان موثر بوده و توانسته است خودپنداره دانش آموزان گروه آزمایش را نسبت به گروه گواه به طور معناداری افزایش دهد.

همچنین پژوهش حسینیان (۱۳۸۴) نشان داد که نوجوانان دختر و پسر عادی، خودپنداره مثبت تری از نوجوانان دختر و پسر گریزان دارند. نتایج تحقیق شعاع کاظمی (۱۳۸۷) با هدف بررسی مقایسه‌ای رفتار چت کردن و رابطه آن با خودپنداره دانشجویان دختر دانشگاه الزهراء (س)، نشان داد که بین خودپنداره و وابستگی به اینترنت، خصوصاً چت کردن دانشجویان وابسته و غیر وابسته، تفاوت معناداری وجود دارد. یافته‌های پژوهش لبادی و رونقی (۱۳۸۷) در بررسی تأثیر رنگ‌آمیزی درمانی بر بهبود خودپنداره دختران بزهکار، حاکی از آن است که روش هنر درمانی در بهبود خودانگاره دختران موثر بوده است. سولیوان<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در پژوهشی تحت عنوان «خودپنداره تحصیلی، جنسیت و مدارس تک جنسیتی» به این نتیجه رسید که تفاوت‌های جنسیتی در خودپنداره دانش آموزان تأثیرگذار نیست و پسرها در ریاضیات و علوم و دخترها در انگلیسی، خودپنداره بالاتری داشتند و مدارس تک جنسیتی، شکاف جنسیتی در خودپنداره را کاهش داد. ایزل<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «هویت جنسی، خودپنداره و متغیرهای زمینه‌ای در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی نوجوانان آمریکایی - آفریقایی» دریافتند که خودپنداره با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط معناداری دارد. یافته‌ها، تأثیر خودپنداره بر موفقیت تحصیلی و محدودیت تبیین‌های زیستی جنسیت را نشان داد.

از طرف دیگر، یکی از پدیده‌های بسیار مهم اجتماعی، مهاجرت است. همچنان که مهاجرت در ابعاد مختلف بر روی فرد و اجتماع تأثیرگذار است، بر مسائل روان‌شناختی و دانش ما از خویش‌تن می‌تواند موثر باشد. مهاجرت به عنوان یک پدیده جامعه‌شناسی که تاریخچه‌ای طولانی دارد، به طور بالقوه می‌تواند باعث شرایط خاص در روند شکل‌گیری خودپنداره در افراد شود.

<sup>1</sup> - Sullivan

<sup>2</sup> - Eisele&etal

مهاجرتها ممکن است علل مذهبی، سیاسی و یا اقتصادی داشته باشند. اما در حال حاضر عمدتاً آرزوی رفاه بیشتر است که انسانها را وادار به ترک سرزمین اجدادی می‌کند. جاذبه شهرهای بزرگ و امید به فردای بهتر در صنایع شهری، وجود بیکاری در روستاها، ازدیاد جمعیت و جستجوی سرزمین های تازه و امروزی نیز انگیزه‌های اصلی مهاجرت هستند. هنوز هم بسیاری کسانی که در طلب شغل و مزد بهتر، ترک یار و دیار خود می‌کنند و به کشورها و حتی قاره‌های دیگر روی می‌آورند. انتخاب مهاجرت از عوامل نژادی، ملیت و میزان تحصیلات نیز تأثیر می‌پذیرد (دل پیشه، ۱۳۸۵).

عبدی زرین و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با هدف مقایسه سبکهای هویت و خودکارآمدی پنداری در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم، به این نتیجه رسیدند که بین خودکارآمدی پنداری، در دو گروه، تفاوت معناداری وجود ندارد. فورنهام و تزیز<sup>۱</sup> (۱۹۸۳)، طی بررسی دانشجویان غیر بومی در انگلستان با دو گروه از دانشجویان انگلیسی، سلامت روان آنها را مورد بررسی قرار دادند و مشاهده کردند که دانشجویان خارجی نسبت به دانشجویان انگلیسی در فاکتور خودپنداره به طور معناداری نمره ی پائین تری کسب کردند و دانشجویان انگلیسی به طور معنی‌داری بیشتر از دانشجویان خارجی از زندگی اجتماعی خود راضی بودند؛ اما در سایر فاکتورهای بهداشت روانی، تفاوت معنی‌داری یافت نشد. آنها در مطالعه دیگری اثرات مهاجرت و دوری از خانواده و تأثیر آن، بر سلامت روان دانشجویان خارجی را مورد بررسی قرار دادند و تفاوت معناداری بین سلامت روان دانشجویان خارجی و بومی یافت نشد؛ اما در بین دانشجویان دختر و پسر غیر بومی، این تفاوت محسوس بود (کو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). در تحقیقات انجام شده مشاهده شده است که بسیاری از افراد از جمله دانشجویان، که جهت تحصیل علم دور از خانواده به سر می‌برند، این شرایط را یکی از استرس‌بارترین تجارب

<sup>1</sup> - Furnham & Thezise

<sup>2</sup> - Kuo



زندگی خود می‌دانند (فلور و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۴). یافته‌های پژوهشی حیدری (۱۳۸۵) در بررسی ارتباط وضعیت سلامت روانی دانشجویان خارجی و ایرانی، حاکی از آن است که بین سلامت روانی دانشجویان خارجی و ایرانی، تفاوت معناداری وجود ندارد. در تحقیقی که تانبوم<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) با عنوان «تحلیل خودپنداره، در میان مهاجران اتیوپیایی و جوانان و کودکان متولد شده در اسرائیل» انجام داده است، به این نتیجه رسید که در افراد ۸ تا ۹ سال، خودپنداره در میان افراد بومی بیشتر از افراد اتیوپیایی بوده است. هم چنین تفاوت‌های جنسیتی از لحاظ خودپنداره فیزیکی به نفع پسران بوده است. نتایج پژوهش هاوولند<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) با عنوان «احساس ناتوانی خودپنداره و فرهنگ پذیری در مادران مهاجر پرتغالی زبان در آمریکا» نشان داد که این زنان علی‌رغم احساس ناتوانی و فقدان فرهنگ پذیری در جامعه میزبان، احساس خوبی در مورد خود دارند. جرویس و رولینگ<sup>۴</sup> (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای با عنوان «اثرات مهاجرت بر طبقه‌بندی فردی جوانان آمریکای لاتین» دریافتند که خودپنداره فرد تحت تأثیر تعیین هویت با گروه اجتماعی خاص می‌باشد. استوارت<sup>۵</sup> (۱۹۹۴) در پژوهشی با عنوان «وضعیت مهاجران و اثرات اولیه آن روی ناخوشی‌های روانی و خودپنداره بزرگسالان» تأیید کرد که جوانان پناهنده ویتنامی در مقایسه با استرالیایی‌های بومی خودپنداره ضعیف‌تری دارند. گنزالس<sup>۶</sup> (۱۹۷۷) در مطالعه‌ای با عنوان تأثیر مهاجرت بر خودپنداره افراد اهل پورتوریکو به این نتیجه رسید که تفاوت چشمگیری بین آزمودنی‌های انگلیسی‌زبان و اسپانیایی نیست. ورکوتین<sup>۷</sup> (۲۰۰۷) در پژوهش خود با عنوان «عزت نفس، خودپنداره، ثبات و ابعاد تعلق فرهنگی- نژادی در میان اقلیت و اکثریت جوانان در هلند» تفاوتی را در خودپنداره مشاهده نکرده است.

<sup>۱</sup> - Fleur & et al

<sup>۲</sup> - Tannenbaum

<sup>۳</sup> - Howland

<sup>۴</sup> - Stuart

<sup>۵</sup> - Jervis & Roehling

<sup>۶</sup> - Gonzalez

<sup>۷</sup> - Verkuyten



یکی از پدیده‌های قرن ما، مهاجرت تعداد زیادی مردم جنگ زده به مناطق امن‌تر است. در سالهای گذشته تعداد زیادی از مردم جنگ زده کشور افغانستان به کشور همسایه‌شان ایران مهاجرت کردند. این مسأله که وقتی انسانها مکان زندگی خود را رها می‌کنند و وارد جامعه‌ای با تفاوت‌های عظیم فرهنگی و نژادی می‌شوند، نحوه ی برخوردشان با موقعیت جدید و ارزیابی‌شان از خود چگونه خواهد بود، ما را بر آن داشت که در مورد مهاجرت و تأثیرات آن بر شکل‌گیری خودپنداره مطالعه کنیم. بنابراین فرضیه‌های پژوهش عبارتند از: (۱) بین خودپنداره دانشجویان ایرانی و افغانی، تفاوت وجود دارد. (۲) بین خودپنداره دانشجویان دختر و پسر، تفاوت وجود دارد.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع زمینه‌یابی بوده است. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان دختر و پسر مقطع کارشناسی دانشگاه‌های تهران می‌باشد. از جامعه مذکور، نمونه‌ای متشکل از ۱۲۰ دانشجو، ۶۰ ایرانی و ۶۰ افغانی، از بین دختران و پسران به روش تصادفی انتخاب شد و به تکمیل پرسشنامه پرداختند.

ابزار مورد استفاده در این پژوهش، آزمون خودپنداره راجرز بوده است. این آزمون شامل دو پرسشنامه است که خودپنداره فرد را در دو موقعیت واقعی و ایده‌آل مورد سنجش قرار می‌دهد و براساس یک مقیاس ۷ گزینه‌ای به روش لیکرت از نمرات ۱ تا ۷ مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. روایی آزمون قبلاً احراز شده است و پایایی آن از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ توسط سهرابی و البرزی (۱۳۸۱) بدست آمد (نقل از صادقی و همکاران، ۱۳۸۸).

### یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در دو سطح توصیفی و استنباطی ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگی آزمودنی‌ها (دانشجویان افغانی) براساس مدت اقامت در ایران

مدت اقامت	فراوانی	درصد
کمتر از ۵ سال	۲۵	۴۱/۶
۵-۱۰ سال	۱۲	۲۰
۱۰-۱۵ سال	۱۳	۲۱/۷
بیشتر از ۱۵ سال	۱۰	۱۶/۷
جمع	۶۰	۱۰۰

با توجه به نتایج جدول بالا، بیشترین مدت اقامت آزمودنی‌ها (۴۱/۶٪) کمتر از ۵ سال و کمترین مدت اقامت (۱۶/۷٪) بالای ۱۵ سال در ایران است. فرضیه اول پژوهش: بین خودپنداره دانشجویان ایرانی و افغانی، تفاوت وجود دارد برای بررسی این فرضیه از آزمون آماری  $t$  استفاده شد که نتایج زیر به دست آمد.

جدول ۲: تفاوت دو گروه دانشجویان ایرانی و افغانی در متغیر خود پنداره

گروه‌ها	تعداد	میانگین	درجه آزادی	$t$	سطح معنی داری
ایرانی	۶۰	۲/۴۸	۱۱۸	۳/۱۷	۰/۰۰۱
افغانی	۶۰	۱/۱۴			

با توجه به نتایج جدول ۲، بین خود پنداره‌ی دانشجویان ایرانی و افغانی در سطح معناداری  $p < ۰/۰۰۱$  تفاوت وجود دارد. در نتیجه، فرضیه پژوهش تایید می‌شود. فرضیه دوم پژوهش: بین خودپنداره دانشجویان دختر و پسر، تفاوت وجود دارد.

جدول ۳: تفاوت خودپنداره ی دانشجویان دختر و پسر ایرانی

سطح معنی داری	t	درجه آزادی	میانگین	تعداد	گروه ها	
۰/۰۸	۱/۱۵	۵۸	۱۲/۲	۳۰	دختر	
			۸/۴	۳۰	پسر	
۰/۰۰۱	۳/۲۵	۵۸	۹/۴۰	۳۰	دختر	
			۵/۴	۳۰	پسر	

با توجه به نتایج جدول ۳، بین خود پنداره ی دانشجویان دختر و پسر ایرانی در سطح معناداری  $p < ۰/۰۰۵$  تفاوت وجود ندارد. اما تفاوت معناداری در سطح  $p < ۰/۰۰۱$  بین خودپنداره ی دختران و پسران در بین دانشجویان افغانی وجود دارد.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه خودپنداره دانشجویان ایرانی و افغانی دانشگاههای تهران صورت پذیرفت. نتایج نشان داد که تفاوت معنی داری بین خودپنداره دانشجویان ایرانی و افغانی وجود دارد. که این یافته با نتایج حاصل از مطالعه فورنهام و تزیز (۱۹۸۳)، استورات (۱۹۹۴)، جرویس و رولینگ (۲۰۰۶) و تاننوم (۲۰۰۸) مطابقت دارد. و با یافته های حیدری (۱۳۸۵)، گنزالس (۱۹۷۷) و ورکوتین (۲۰۰۷) همخوانی ندارد. دلیل این عدم همخوانی می تواند این باشد که عوامل محیطی بر شکل گیری خودپنداره موثر هستند. همچنان که مهاجرت در ابعاد مختلف بر روی فرد و اجتماع تأثیرگذار است، بر مسائل روان شناختی و دانش ما از خویشتن می تواند موثر باشد. از آنجائی که تعداد زیادی از مردم افغانستان به ناچار کشورشان را ترک کرده و وارد جامعه ای با تفاوت های عظیم فرهنگی، مذهبی، نژادی، آداب و رسوم و... شده اند، به نظر می رسد این موقعیت جدید بر نحوه ی ارزیابی آنها از خودشان تأثیرگذار بوده است. از

طرفی، تعدادی از دانشجویان افغانی مورد آزمون در این پژوهش، با میل و رغبت خود جهت ادامه تحصیل به ایران آمده‌اند و از خانواده خود دور هستند و استرس دوری از خانواده را بیشتر متحمل شده و تحت فشار روانی زیادی قرار می‌گیرند. در ضمن تعدادی از مهاجرین افغانی نیز تحت تأثیر عوامل جاذب، از جمله زبان و دین مشترک به ایران آمده‌اند که تحت تأثیر عوامل دافعه‌ای که مانع جذب افغانی‌ها در جامعه ایرانی می‌شود قرار گرفته‌اند. به هر حال مشکلات اجتماعی ناشی از مهاجرت بسیار زیاد و گوناگون است. محرومیت‌هایی که این افراد تجربه می‌کنند، اشتغال به مشاغل سطح پائین مثل کارگری، عدم پذیرش جامعه ایرانی و حتی آنهایی که سالهای مدیدی است که در ایران زندگی می‌کنند، هویت خود را به عنوان شهروند بیان می‌کنند؛ اما به کشور ایران تعلق ندارند. آنها در ایران زندگی می‌کنند به خاطر اینکه حالا فرزندانشان ایرانی هستند. در بسیاری از موارد ارزشهای فرهنگی منتقل شده از کشورشان، به قدر کافی قوی است که کشمکش‌های ناشی از عدم ادغام فرهنگی، با شدت بیشتر در نسل دوم ظاهر می‌شود و فرزندان از دو جهت کشیده می‌شوند. آنچه در مدرسه و خارج از خانه فرا می‌گیرند، اغلب در تضاد با چیزی است که در محیط خانواده می‌آموزند که همین مسأله در شکل‌گیری خودپنداره تأثیرگذار است.

از طرف دیگر، مهاجرین افغانی بدلیل طردهای اجتماعی، حاشیه شهرها را جهت سکونت برمی‌گزینند. وقتی از جامعه طرد می‌شوند، سعی می‌کنند احساس امنیت را در آن جامعه به خطر بیندازند، فقط به این دلیل که احساس امنیت خودشان مورد تهدید قرار گرفته است و مرتکب جرمهای بزرگی مثل قتل، سرقت و حمل مواد مخدر می‌شوند و گاهی اوقات به خاطر این مسائل حتی جان خود را از دست می‌دهند. این اوضاع اجتماعی می‌تواند بر نحوه ارزیابی قشر دانشجو از خود تأثیر گذار باشد؛ بدین صورت که هر چقدر هم که در محیط علمی و آکادمیکی هستند، ولی بخش عمده‌ای از ذهن آنها را هویتی تشکیل داده که ناموفق است. خصوصاً در دانشجویان افغانی تبار که از نظر ادامه تحصیل و اشتغال در ایران دچار مشکل هستند. به همین دلیل هر چقدر هم در کارشناسی دارای رتبه‌های بالا باشند، در ادامه تحصیل با موانع اجتماعی

روبرو می‌شوند. از همه مهمتر، بازخوردی است که از طرف جامعه در مورد وضعیت ظاهری، بخصوص چهره، دریافت می‌کنند. در شکل‌گیری خودپنداره، یکی از فاکتورهای مهم وضعیت فیزیکی افراد است. این تفاوت فیزیکی به عنوان عاملی مهم، سبب شکل‌گیری خودپنداره ضعیف در آنها می‌شود. همان‌طور که کولی، معتقد به "خود آینه‌ای" است؛ یعنی هر کدام از ما تصویری که از خود داریم تحت تأثیر تصویری است که از دیگران دریافت کرده‌ایم و دیگران برای ما مانند آینه عمل می‌کنند. اما در مورد فرضیه دوم یافته‌ها نشان داد که بین خودپنداره دانشجویان دختر و پسر ایرانی تفاوت معناداری وجود ندارد و جنسیت، به طور معناداری بر خودپنداره تأثیرگذار نیست و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر هیچ تفاوت معناداری میان خودپنداره دختران و پسران ایرانی مشاهده نشد، می‌توان نتیجه گرفت که در هیچ کدام از دو گروه دختران و پسران ایرانی از نظر خودپنداره تفاوتی وجود ندارد. بنابراین فرضیه دوم رد می‌شود که با یافته‌های سولیوان (۲۰۰۹) و ایزل و همکاران (۲۰۰۹) همخوانی دارد. به نظر می‌رسد، امروزه طرح واره‌های ذهنی مردانه و زنانه تغییر کرده است، نسبت به نقشهای سنتی زنانه ارزش‌گذاری مثبت صورت می‌گیرد و کاهش نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی، سنتها و محدودیت‌های اجتماعی، زنان را در وضعیت مساعدتری نسبت به گذشته قرار داده است. از طرف دیگر، روندهای پرورشی خانواده، کمتر نقش‌های زنانه و مردانه را در فرزندان نهادینه می‌کند و دیدگاه مدرن زنان را به پذیرفتن نقش‌های شغلی در کنار سایر نقش‌هایشان ترغیب می‌کند؛ زیرا اشتغال برای زنان عزت نفس بیشتری به همراه دارد. در جامعه امروزی، زنان حدود ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاه را به خود اختصاص داده‌اند و با پروازدن عادات احترام به خویش و اتکا به خود، که از راه موفقیت‌های تحصیلی فراهم می‌شود، خواهان تغییر در بافت فرهنگی کشور هستند. در ضمن بدلیل گسترش شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌ها، بیشتر از حقوق خود آگاه شده و ضمن مقایسه خود با زنان سایر کشورها، خواستار رفع تبعیض جنسیتی در همه زمینه‌ها می‌باشند. با توجه به این مسأله که با افزایش میزان خودپنداره، تغییرات مطلوبی مانند: افزایش پیشرفت تحصیلی، افزایش تلاش در کسب موفقیت، خلاقیت بیشتر، احساس ارزشمندی،

سازگاری اجتماعی مناسب تر، بهداشت روانی سالم تر، مقاومت در برابر انواع استرس ها و فشارهای روانی و ... در فرد بوجود می آید، شایسته است نظام آموزشی کشور، عواملی را که در ایجاد خودپنداره مثبت موثرند، شناسایی و تقویت کرده و متغیرهایی را که تأثیر منفی دارند، در حد توان کنترل نماید تا با تغییر برداشت منفی افراد نسبت به خود، گام بزرگی در جهت سلامت روحی و روانی دانشجویان کشور برداشته شود

در ارتباط با فرضیه سوم، یافته ها نشان می دهد که تفاوت معناداری بین خودپنداره دانشجویان دختر و پسر افغانی وجود دارد. در تبیین این یافته اینگونه می توان بیان نمود که دانشجویان پسر به دلیل همخوانی شکل ظاهر با تیپ های کارگران افغانی، که جماعت بسیار زیادی از نیروی کار کشور ایران را به خود اختصاص داده اند، به نظر می رسد از خودپنداره پایین تری نسبت به دختران افغانی و دانشجویان ایرانی برخوردار می باشند. آنان با وجود تحصیل در دانشگاههای معتبر کشور، هنوز از طرح واره معیوب برخوردار می باشند و این ویژگی را در رفتار خود نمایان می سازند؛ در حالی که شکل ظاهری هر فرد، بعدی از ابعاد خودپنداره می باشد نه تمام خودپنداره، و با تغییر ساختارهای ذهنی می توانند این مشکل را مرتفع نمایند.

### منابع

- ۱- البرزی، ش، سامانی، س (۱۳۸۱). مقایسه خودپنداره در میان دختران و پسران دانش آموز مقطع راهنمایی مراکز تیزهوش شهر شیراز، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۴(۲).
- ۲- بیابانگرد، ا. (۱۳۸۲). روشهای افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان، چاپ هفتم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۳- حسینیان، س. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه خودپنداره نوجوانان دختر و پسر گریزان و عادی، مجله مطالعات روان شناختی، ۱(۳ و ۲)، ۸۲-۷۳.

- ۴- حیدری، س. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط وضعیت سلامت روانی دانشجویان خارجی و ایرانی و راهبردهای مقابله‌ای مورد استفاده آنها، مجموعه مقالات سومین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- ۵- دل پیشه، ا.، حلم سرشت، پ. (۱۳۸۵). جمعیت و تنظیم خانواده، تهران: چهر.
- ۶- سالمی، ز. (۱۳۷۸). مقایسه و بررسی رابطه منبع کنترل و خودپنداره با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان مبتلا به تالاسمی، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
- ۷- شعاع کاظمی، م. (۱۳۸۷). بررسی مقایسه‌ای رفتار چت کردن و رابطه آن با خودپنداره دانشجویان دختر دانشگاه الزهرا (س)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات روان شناختی، ۴(۲).
- ۸- شفیق آبادی، ع. (۱۳۷۴). راهنمایی و مشاوره شغلی و تحصیلی، چاپ هفتم، تهران: انتشارات رشد.
- ۹- صادقی، م. احمدی، ا.، بهرامی، ف.، اعتمادی، ع. و صلاحیان، ا. (۱۳۸۸). بررسی اثربخشی آموزش به شیوه تحلیل رفتار متقابل بر خودپنداره دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان خمینی شهر، مجموعه مقالات دومین همایش سراسری دانشجویی مشاوره، رشد و پویایی دانشگاه الزهرا (س).
- ۱۰- عبدی زرین، س.، ادیب راد، ن.، یونسی، س.ج. و عسگری، ع. (۱۳۸۸). مقایسه سبکهای هویت و خودکارآمدپنداری در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم، مجموعه مقالات دومین همایش سراسری دانشجویی مشاوره، رشد و پویایی دانشگاه الزهرا (س).
- ۱۱- غلامی، ی. (۱۳۸۴). بررسی مقایسه‌ای انگیزه پیشرفت و خودپنداره دانش‌آموزان پایه هشتم کشورهای مختلف با پیشرفت تحصیلی علوم آنان، سومین مطالعه بین المللی ریاضیات و علوم (تیمز - آر).
- ۱۲- لبادی، ز.، رونقی، س. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر رنگ آمیزی درمانی بر بهبود خودپنداره و کاهش اضطراب دختران بزهکار، دومین کنگره سراسری پژوهشهای روانشناسی بالینی، انجمن علمی روانشناسی بالینی ایران.
- ۱۳- نادری، خ. ا. (۱۳۸۱). مقایسه بین خودپنداره و تیپهای شخصیتی و آرزوهای شغلی دانش‌آموزان پیش دانشگاهی شهرکرد، تهران: پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا (س).



- 14 - Eisele, H., Zand, D. and Thomson, N. (2009). *Gender Identity, Self-concept, and Contextual variables in predicting academic achievement among African-American adolescents*. The association for woman in psychology
- 15- Fleur, J., Croch, M., Freeman, D. (2004). Migration, Mental health and Human rights. *International journal of low and psychology*, 27, (3), 505-509.
- 16- Gonzalez-Barcarcel, S. (1977). *The effects of migration on the Puerto Rican self-concept*.
- 17- Howland, ch. Ch. (1983). *Feeling of powerlessness, self concept and acculturation in Portuguese immigrant mothers (Massachusetts)*. Boston: Boston College.
- 18- Jervis, L.H. Roehling, P. (2006). *The effects of migration debate on the self-ascribed labels of Latina adolescents*.
- 19- Kuo, w. (2002). Theories of migration and mental health: An empirical testing on Chinese-Americans, Retrieved July, [www.sciencedirect.com](http://www.sciencedirect.com).
- 20 - Ozlem, A., Gyursak, A. and Luerssen, A. (2009). *Rejection sensitivity moderates the impact of rejection on self-concept clarity*. *Personality & social psychology bulletin* 35.11
- 21- Stuart, G., Minas, I.H., Ata, A.W. (1994). *Immigrant status and gender effects on psychopathology and self-concept in adolescents*.
- 22- Sullivan, A. (2009). Academic self-concept, gender and single-sex schooling. *British Educational research journal*, 35(2), 259-288.
- 23- Tannenbaum, M. (2008). An analysis of self-concept among Ethiopian immigrant and Israeli-born children and adolescents. *International Journal of Behavioral Development*, 32(3), 188-198.
- 24- Verkuyten, M. (2007). *Self-esteem, self-concept, stability and aspects of ethnic identity among minority and majority youth in the Netherlands*.